

Analyzing the Interaction of Characters in Marzban-Name Based on Berne's Theory of Personality Abstract

Hossein Hosseinipour*

Ali Garavand**

Jahanshah Mohammadzadeh***

Research Questions

This study attempted to answer the following questions:

- 1- Based on which personality dimensions the characters of the fable have appeared and acted?
- 2- To what extent is the theory of interactional analysis effective in identifying the psychological aspects of fictional characters?
- 3- Which of these personality traits is rooted in the characters' personalities?

Statement of the problem

The interaction between three parts of the human personality, i.e., parent, adult, and child is the main topic of "Behavioral Analysis". Whenever one is able to use the relevant personality dimension appropriately, they have been able to interact not only with themselves but also with others. The ultimate goal of this theory is to remove the negative aspects of personality.

Research Methodology

This study aims to analyze the different behaviors and personality dimensions of characters of the story of fox and rooster from Marzban-Name by analyzing the interactions of the characters and considering the mental states of the individuals. This research is of a documentary or library type.

* PhD. Student in Persian Language and Literature, University Ilam, Ilam, Iran.

** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ilam University, Ilam, Iran. *Corresponding Author:* a.garavand@ilam.ac.ir

*** Associate Professor of Psychology, Department of Social Science, Faculty of Literature and Human Science, Ilam University, Ilam, Iran.

Introduction

The present era is a time of complex human relationship in which all phenomena related to actions and reactions are on their stressful path. These relationships can create many problems if they do not fit into their scientific process. Eric Berne described these personality states in three parts: parent, adult, and child. One of the interesting areas in psychological studies is literary research that deals with the psychology of literary works. This study attempts to analyze various aspects of fictional characters of the story of "Fox and Rooster" in Marzban-Name based on a psychological perspective and the interactional analysis theory.

Results

The patterns and personality dimensions of individuals in such stories help us to understand how individuals use their different personality dimensions in different behavioral situations and how they manifest and treat their personality in their behaviors. This theory teaches us to identify and eliminate the weaknesses of our behavior and have a better relationship with others. An examination of this story reveals that the characters in this story have used the parent personality dimension more in their behaviors. The interactions between the characters of the story flow from the beginning, and the behaviors serve their own purposes, and these interactions lead to disruptions in their interactions. There is also a conflict between a parent who is a fox and an adult who is a rooster.

Keywords: Interactional Behavior AnaLysis, Parent, Adult, Child, Marzban-Name.

Author Contributions: Hossein Hosseinipour, content editing and analyzing, revisions and submission the article; Dr. Garavand, general framework planning, content editing and analyzing and corresponding author. Dr. Mohammadzadeh collaborating in concordance of psychological approaches with Persian content and conclusion. All authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments: The authors thank all dear colleagues and professors who have helped us in this research.

Conflicts of Interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article. This article extracted from the PhD. dissertation, with the guidance of Dr. Garavand and with the consultation of Dr. Mohammadzadeh.

Funding: This article has not been supported by any organizations.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۸/۲۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۲/۲۶

دست آوردهای روان‌شناختی
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۹۹
دوره‌ی چهارم، سال ۲۷، شماره‌ی ۱
صص: ۱۲۶-۱۰۹

تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها بر اساس نظریه شخصیت برن در مرزبان‌نامه

حسین حسینی‌پور *

علی گراوند **

جهانشاه محمدزاده ***

چکیده

تحلیل رفتار متقابل نظریه‌ای در روان‌شناسی است که در هر زمینه‌ای که نیاز به درک افراد، روابط و ارتباطات و مشاوره باشد، به کار می‌رود. این نظریه به روابط درونی شخصیت‌ها و رابطه انسان‌ها با یکدیگر توجه ویژه دارد و تأکید می‌کند که اگر افراد با یکدیگر روابط سالم، صمیمانه و صادقانه داشته باشند و آن را جایگزین روابط مخرب، منفی و تحقیرآمیز نمایند، قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی لذت بیشتری ببرند. با بررسی ابعاد شخصیت‌های این حکایت می‌توان شناخت بهتری از افکار و احساسات پیچیده انسان‌هایی که شخصیت‌های حیوانی نماد آنان هستند و هر یک در مقام والد یا کودک و بالغ نقش ایفا می‌کنند، به دست آورد. این پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی و براساس نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن حکایت روباه و خروس از مرزبان‌نامه را تجزیه و تحلیل می‌کند. جامعه آماری این پژوهش را شخصیت‌های این حکایت تشکیل می‌دهند. ابزار پژوهش شامل ابعاد شخصیتی و حالات روحی و روانی شخصیت‌ها است. از نتایج این پژوهش می‌توان به اهمیت کاربرد این نظریه در حل مشکلات احساسی و رفتاری اشاره کرد. همچنین تأثیر پیام‌های صادر شده از جانب دیگر شخصیت‌ها در واکنش‌ها و رفتارهای اشخاص مشخص

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

** استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

a.garavand@ilam.ac.ir

*** دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

می‌شود و این‌که اهمیت تطبیق این نظریه با آثار ادبی به خوبی آشکار می‌گردد. در این اثر روابط متقابل شخصیت‌ها از نوع متقاطع و رفتارها در جهت تأمین اهداف شخصی است که نهایتاً به اختلال در رفتار آن‌ها منجر می‌شود.

کلید واژگان: تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها، والد، بالغ، کودک، مرزبان‌نامه.

مقدمه

تحلیل رفتار متقابل^۱ نظریه‌ای است که با استفاده از آن می‌توان گام‌های مؤثری در شناخت و درمان شخصی و روحی روانی برداشت. تحلیل رفتار متقابل را می‌توان به نوعی «روان‌شناسی شخصیت^۲» اطلاق کرد که مراحل رشد را به همراه جنبه‌های مختلف شخصیت بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که حالات و رفتار جاری افراد، بر پایه کدام جنبه از شخصیت حاصل شده است و ارتباط میان انسان‌ها از کدام جنبه صادر و به کدام جنبه مقابل، منتهی می‌شود. این روش کمک می‌کند تا خود فرد نیز بداند چه زمانی می‌تواند علاوه بر داشتن روانی سالم، ارتباطی مؤثر و پویا با اطرافیان داشته باشد؛ زیرا اغلب مشکلات روانی، نتیجه ارتباط نامناسب با اطرافیان نزدیک و دور است که با شناسایی و اصلاح آن، روان، درمان شدنی خواهد بود (Atkinson et al., 2017). نتایج بسیاری از مطالعات علمی نشان داده که تحلیل رفتار متقابل باعث بهبود کیفیت زندگی افراد می‌شود (Ciucur, 2013). بنابراین تحلیل رفتار متقابل نظریه‌ای برای شناخت رفتار، احساس و ذهنیت افراد در بستر روابط شخصیت‌هاست که در آن تصویری از ساختار روانی انسان‌ها ارائه می‌گردد و از الگوی سه‌گانه حالات نفسانی؛ یعنی والد، بالغ و کودک در تجزیه و تحلیل رفتارهای آدمی استفاده می‌شود (Razi & Hajati, 2012).

تحلیل رفتار متقابل نظریه‌ای روان‌شناسی است که Eric Berne (1910-1970) در سال ۱۹۵۰ میلادی آن را ارائه کرد. این نظریه به لحاظ کاربرد در حل مشکلات احساسی و رفتاری، مورد توجه جامعه روان‌شناسی قرار گرفت و تدریجاً بر اساس آن نظریه‌های جدیدی در زمینه‌های مشاوره، روان‌کاوی، گروه‌درمانی، مدیریت، جامعه‌شناسی، توسعه سازمانی و آموزش

1- Transactional Analysis Association
2- personality psychology

ارائه شد و به این ترتیب گسترش و عمومیت یافت؛ به طوری که امروزه در هر جایی که انسان حضور داشته باشد و با اطرافیان خود وارد تعامل شود کاربرد پیدا می‌کند و ابزاری برای بررسی تغییرات و مشکلات شخصیت به شمار می‌آید (Razi & Hajati, 2012). این نظریه که در آن نوع روابط افراد از اهمیت فراوانی برخوردار است، بر پایه الگوهای سه‌گانه شخصیتی بنا شده است. Eric Berne این حالت‌های شخصیتی را در سه بخش والد، بالغ و کودک بیان نمود که شامل نوعی نظام بهم پیوسته فکر، احساس و رفتار کردن است. در روند تکاملی این نظریه، یعنی رابطه بین افراد، به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ابعاد شخصیت توجه و بررسی می‌شود (Razi & Hajati, 2012; Bahrami, 2016).

یکی از حوزه‌های جالب در مطالعات روان‌شناسی پژوهش‌هایی با زمینه ادبیات است که به تحلیل روان‌شناسی آثار ادبی می‌پردازد. در این رویکرد بر اساس نظریات مختلف روان‌شناسی و با دیدگاه بزرگان این علم به مطالعه ادبیات و آثار ادبی و شرح و تحلیل متون ادبی پرداخته می‌شود. همچنین از آن‌جا که جامعه، بستری گسترده از سطوح مختلف تعامل بین ابعاد مختلف شخصیت است، می‌توان جامعه را دارای ساختاری انسانی دانست که رفتارهای ابعاد سه‌گانه شخصیت انسانی در آن قابل ردیابی است (Razi & Hajati, 2012; Incels, 1980). از این رو می‌توان ساختارهای شخصیت را به جامعه نیز تعمیم داد و به این ترتیب دامنه تحلیل رفتار متقابل را به ساختار اجتماع و مدیریت منابع انسانی و سازمانی نیز توسعه داد.

به‌طور کلی تحلیل رفتار متقابل در هر زمینه‌ای که نیاز به درک افراد، روابط و ارتباطات باشد، می‌تواند به‌کار رود (Stewart & Jones, 2012). این نظریه، نظریه‌ای در مورد شخصیت و روش منظمی برای روان‌درمانی «رشد و تغییر شخصی»، روشی عقلانی برای تجزیه و تحلیل و درک رفتار خویش، کسب آگاهی و قبول مسئولیت در زمان حال است (Azad Milajardi & Nik, 2017). بنابراین شخصیت‌های حیوانی در داستان‌های تمثیلی و نمادین که حیوانات در آن‌ها نمادی از شخصیت‌های انسانی هستند، نیز کاربرد دارد و می‌تواند مبنای تحلیل قرار گیرد. از این رو، می‌توان رفتارهای آنان را براساس نظریه‌های روان‌شناختی انسان‌ها تحلیل نمود. در این مقاله نیز سعی شده است، با دیدگاه روان‌شناسی و براساس نظریه رفتار متقابل، شخصیت‌های داستانی حکایت «روباه و خروس» از کتاب مرزبان‌نامه بررسی و ابعاد مختلف شخصیت‌های داستانی آن تجزیه و تحلیل شود و زنجیره روابط میان اشخاص داستانی در آن

نشان داده شود و در واقع به دنبال جواب این پرسش‌ها است که: شخصیت‌های داستانی در حکایت روباه و خروس بر اساس کدام یک از ابعاد شخصیتی خویش در حکایت ظاهر شده و رفتار نموده‌اند؟ زنجیره روابط میان اشخاص حکایت در تعامل با هم بر اساس کدام حالات روحی و روانی است؟ همچنین نظریه تحلیل رفتار متقابل تا چه اندازه در شناسایی جنبه‌های روانی شخصیت‌های حکایت مؤثر است و رفتار شخصیت‌های این حکایت ریشه در کدام حالت روحی دارند.

با تجزیه و تحلیل زوایای پنهان ذهن و روان شخصیت‌های داستانی خصوصاً داستان‌های تمثیلی که در آن‌ها حیوانات و اشیاء نمادی از انسان‌ها هستند، می‌توان به افکار و احساسات پیچیده درونی آن‌ها پی برد و علل تعارض و تنش‌های رفتاری شخصیت‌ها را دریافت و به علل خلق و ابداع آثار هنری و ادبی خصوصاً آثار روایی پی برد؛ زیرا داستان و روایت زمانی شکل می‌گیرد که روال عادی زندگی اشخاص از حالت تعادل با ورود عامل مخربی دچار تنش شود و وارد حالت عدم تعادل و به هم‌ریختگی شود که باز این عدم تعادل با ورود عامل سامان دهنده‌ای به وضعیت تعادل ثانویه می‌رسد (Todorof, 2003). همین امر گرایش به این رویکرد را در نقد و تحلیل آثار ادبی به ویژه آثار روایی ضروری می‌نماید و نشان می‌دهد که این نوع نقد آثار روایی بسیار ارزشمند و مهم است. علاوه بر آن، این نوع تحقیقات نشان دهنده ظرفیت نظریه‌های روان‌شناسی در نقد و تحلیل آثار ادب فارسی است. علاوه بر این، نشان می‌دهد که قدرت و توانایی نویسنده در شخصیت‌پردازی و نشان دادن زوایای مختلف ذهن و روان اشخاص حکایات به چه میزانی است. در واقع هدف از این‌گونه مطالعات و این رویکرد جدید به روان‌شناسی، شناخت و تحلیل ویژگی‌های روانی شخصیت‌های داستانی است. این پژوهش با رویکرد روان‌شناسی شخصیت و به شیوه تحلیل محتوا اجرا می‌شود و به توصیف و تجزیه و تحلیل رفتار و ابعاد گوناگون روح و روان شخصیت‌های حکایت «روبه و خروس» مرزبان‌نامه می‌پردازد و از نوع تحقیقات اسنادی یا کتابخانه‌ای است.

پیشینه پژوهش

قدمت گرایش به روان‌شناسی در پژوهش‌های ادبی به دیرینگی یونان باستان و پدید آمدن نظریات دقیق اندیشمندان یونانی درباره شعر و شاعری برمی‌گردد که رفته‌رفته تحلیل و

موشکافی در متون ادبی با بهره‌گیری از آراء روان‌شناسی بیشتر شده و با نظریات Coleridge که به تفسیر روان‌شناسی از شعر پرداخت و Freud که تحلیل روان‌شناسانه‌ای از آثار Dostoevsky داستان‌نویس روسی ارائه کرد، رو به افزایش نهاد. این پژوهش‌ها توسط Rank، Adler، Jung، Baudouin و دیگران که با رویکرد روان‌شناسی به تحلیل انواع آثار ادبی (داستان، فیلم‌نامه، افسانه، شعر و غیره) پرداختند، ادامه یافت و دامنه این‌گونه پژوهش‌ها را گسترش دادند (Razi & Hajati, 2012). در ایران نیز هر چند پیشینه تحلیل‌های روان‌شناسی بسیار فراوان نیست؛ اما بر روی هم پژوهش‌های بسیاری در حوزه روان‌شناسی و ادبیات منتشر شده است و مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی از دیدگاه روان‌شناسی و بر اساس نظریه‌های مختلف روان‌شناسی وجود دارد. بخش اندکی از این تحقیقات مانند: «تحلیل روان‌شناسی شخصیت و زندگی فریدون در شاهنامه» (Moradi & Amin, 2006). «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستانی هوشنگ مرادی کرمانی بر اساس نظریه اریکسون» (Moharami, Hajlo & Shojayi masoleh, 2011). «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه» (Razi & Hajati, 2012). و در نهایت «تحلیل رفتار متقابل جنبه «بالغ» و «والد» در شخصیت‌های داستانی مثنوی براساس نظریات اریک برن» (Razifam, Dehghan & Farzi, 2016) مورد توجه واقع شده‌اند.

بحث اصلی «تحلیل رفتار متقابل» تعامل بین سه بخش شخصیت انسان یعنی والد، بالغ و کودک است. هرگاه فرد بتواند در مواقع مناسب و ضروری بخش مربوطه را به کار گیرد، در واقع توانسته است نه تنها با بخش‌های درونی خود، بلکه با دیگران نیز در موضع تعامل و سازگاری قرار بگیرد. آسیب روانی زمانی ایجاد می‌شود که یکی از این ابعاد سه‌گانه شخصیت، مستبد شود و بر بخش‌های دیگر مسلط شده و نگذارد آن‌ها نقش خود را ایفا کنند. هدف نهایی نظریه، حذف کردن بخش‌های منفی در شخصیت و روابط و تقویت بخش‌های مثبت شخصیت است. لازم به ذکر است شخصیت‌های حیوانی در حکایت‌های تمثیلی مرزبان‌نامه نمادی از شخصیت‌های انسانی‌اند، از این‌رو، می‌توان رفتارهای آنان را بر اساس نظریه روان‌شناختی انسان (نظریه شخصیت Eric Berne) تحلیل نمود. در واقع می‌توان گفت حکایت یا داستان زمانی شکل می‌گیرد که یکی از اشخاص با نقشی غیر از آن چه برای او تعریف

می‌شود، ظهور پیدا کند و ایفای نقش کند که در آن صورت باعث ایجاد کشمکش می‌گردد و روال طبیعی زندگی و ارتباطات متقابل را دچار تنش می‌کند و قصه شکل می‌گیرد. این نوشتار با هدف گونه‌شناسی رفتارهای شخصیت‌های داستانی حکایت روباه و خروس مرزبان نامه و تحلیل آن بر اساس الگوی Eric Berne برای پی بردن به ویژگی‌های روانی شخصیت‌ها می‌باشد که درصدد است تا پاسخی برای پرسش‌هایی از این دست پیدا کند که نظریه تحلیل رفتار متقابل تا چه اندازه در شناسایی جنبه‌های روانی شخصیت‌های داستانی مؤثر است و رفتارهای شخصیت‌های این داستان‌ها ریشه در کدام یک از خصوصیات روانی آنان دارد؟

با بررسی ابعاد و زوایای شخصیت‌های حیوانی این داستان می‌توان افکار و احساسات پیچیده انسان‌هایی را که شخصیت‌های حیوانی نماد آنان هستند، به طور سامان یافته‌ای مورد تحلیل قرار داد و علل تعارض‌ها و تنش‌ها را مشخص کرد و شناخت بهتری از آنان به دست داد. این پژوهش نشان می‌دهد میزان ظرفیت داستان‌های متون کهن ادب فارسی برای نقد روان‌شناختی چقدر است و در روایت‌شناسی نیز مؤثر افتد؛ زیرا نشان می‌دهد که شخصیت‌ها از چه خصوصیات درونی برخوردارند و رفتارهای ظاهری آنان در کدام یک از ویژگی‌های روانی‌شان ریشه دارد و میزان پیچیدگی آنان چقدر است و نویسنده به چه میزان در شخصیت-پردازی موفق عمل کرده است.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد روان‌شناسی و به شیوه تحلیل محتوا انجام می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با تحلیل رفتارهای متقابل شخصیت‌ها و با توجه به حالات روحی و روانی آن‌ها به تجزیه و تحلیل رفتارها و ابعاد مختلف شخصیتی اشخاص حکایت «روبا و خروس» از کتاب مرزبان‌نامه بپردازد. این تحقیق از نوع اسنادی یا کتابخانه‌ای است.

بحث و تحلیل

در این قسمت بر اساس مؤلفه‌های تحلیل شخصیت در نظریه Eric Berne به بررسی و

تحلیل ابعاد شخصیتی اشخاص داستانی حکایت «روباه و خروس» مرزبان‌نامه پرداخته می‌شود و بررسی می‌گردد که نوع رفتار و تقابل شخصیت‌ها در حکایت به چه شکل است؛ اما ضروری است، قبل از ورود به بحث اصلی خلاصه‌ای از داستان جهت آمادگی ذهنی خوانندگانی که سابقه ذهنی از حکایت ندارند، ارائه شود تا با کم و کیف اشخاص و اعمال آنان و روند حکایت آشنا شوند.

خلاصه حکایت روباه و خروس: روزی خروسی در حال چیدن دانه بود که در این حین از روستا دور شد. ناگاه سرش را بلند کرد و دید، روباهی دوان دوان به طرف او می‌آید، قصد برگشت به روستا را داشت، متوجه شد که خیلی از روستا دور شده است. اطرفش را نگاه کرد. درختی در آن نزدیکی بود. پرید و روی یکی از شاخه‌های درخت نشست. روباه زیر درخت آمد و گفت: ای خروس پرتلاپی، چرا تا مرا دیدی، بالای درخت پریدی؟ نکند از من ترسیدی؟ خروس گفت: باید روی درخت می‌پریدم و از تو می‌ترسیدم. آخر تو دشمن من هستی. روباه گفت: ای خروس، مگر خبر نداری که سلطان جانوران، شیر مهربان، گفته که همه باید با هم دوست باشند؛ مهربان باشند؛ کسی نباید به کسی بدی کند؛ باید از امروز، گرگ و میش از یک چشمه آب بخورند؛ کبوتر و باز، در یک لانه بخوابند؛ روباه و خروس هم با هم دوست باشند؛ حالا خروس جان! از درخت بیا پایین. تا کمی با هم گردش کنیم، گل بگوییم و گل بشنویم. خروس کمی فکر کرد و گفت: راست می‌گویی؟ چه خبر خوبی! واقعاً که خیلی خوب شد! روباه گفت: پس معطل چه هستی؟ بیا پایین! خروس گفت: کمی صبر کن. چند تا جانور مثل باد به این‌جا می‌آیند. صبر کن آن‌ها هم برسند تا همگی با هم به گردش برویم. این‌طوری بیشتر به ما خوش می‌گذرد. روباه که ترسیده بود پرسید: چه شکلی هستند؟ خروس در جواب گفت: مثل گرگ هستند؛ اما گوش و دمشان درازتر است. فکر کنم سگ‌های گله باشند. روباه تا این را شنید، پا به فرار گذاشت. خروس فریاد زد: کجا می‌روی؟ مگر به گردش نمی‌آیی؟ روباه گفت: سگ‌ها دشمن من هستند، مرا تکه‌پاره می‌کنند. خروس گفت: مگر خودت نگفتی که به فرمان شیر همه باید با هم دوست باشند؟ روباه گفت: بله گفتم؛ ولی می‌ترسم این‌ها هم مثل تو فرمان شیر را نشنیده باشند، آن‌وقت مرا تکه‌پاره کنند. روباه این را گفت و با سرعت از آن‌جا دور شد. خروس هم از درخت پایین آمد و به ده برگشت (Varavini, 2013).

ابعاد مختلف شخصیت‌های حکایت

در وجود هر فرد سه بعد شخصیتی وجود دارد که در موقعیت‌های گوناگون رفتاری یکی از این ابعاد بروز و نمود یافته و خود را نشان می‌دهد. فرد در موقعیت‌های مختلف رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهد. تحلیل ساختار شخصیت به معنی بررسی ساختار حالات شخصیتی و رفتار انسان است که به صورت احساسی، رفتاری و کلامی بروز می‌نماید و دارای سه نوع ساختار است: والد، بالغ و کودک. می‌توان حکایت روباه و خروس در مرزبان‌نامه را نمونه‌ای از این ساختار شخصیتی به شمار آورد که رفتارهای کلامی و غیرکلامی آنان در موقعیت‌های متفاوت بیان‌گر ابعاد مختلف شخصیتی آن‌هاست که در ادامه به بررسی این ابعاد شخصیتی پرداخته می‌شود.

والد: والد^۱ از رفتارها و نگرش‌هایی که از پدر و مادر و افراد صاحب قدرت به عاریت گرفته‌ایم، تشکیل شده است. هر وقت که درصدد نصیحت کردن دیگران برآمدم و همچون یک پدر و مادر مهربان و دلسوز به ارشاد و راهنمایی دیگری اقدام کردیم، والد درون خود را فعال نموده‌ایم (Firoz bakht, 2005). در حکایت روباه و خروس، وقتی روباه اقداماتی را که برای رسیدن به هدف خود یعنی شکار خروس انجام می‌دهد، برای خود تدوین کرده و با رنگ و لعاب فریبنده به خروس بازگو می‌کند و گاه رفتاری یاری‌کننده دارد، مثلاً زمانی که اعلام می‌کند، جهان پر از فرمان عدل شده و دیگر کسی به کسی تعدی و تعرض نخواهد کرد. در واقع والد (روباه) فردی خودخواه و فریب‌کار بود و در انتظار شکار در لحظه مناسب است. از طرفی خروس والدی مچ‌گیر دارد؛ زیرا بلافاصله همان حقه روباه را بر وی پیاده کرده است. از این رو ضعف روباه را زمانی که ترسیده است، به رخ او می‌کشد و از آن نهایت استفاده را به نفع خود می‌برد. ابعاد شخصیتی والد در این داستان در چهار گونه نمود دارد:

۱. **والد حمایت‌گر:** «والد حمایت‌گر^۲ به بخشی از شخصیت که دلسوز، مهربان، کمک‌کننده، حمایت‌گر، دهنده و محافظت‌کننده است، اشاره دارد» (Firoz bakht, 2005). در این حکایات وقتی که روباه قصد فریب خروس را دارد، با تمارض به حمایت و کمک به خروس با او رفتار

1- parent

2- kind parent

می‌کند، رفتار روباه اگرچه با حقه و حيله همراه است؛ اما نوعی صمیمیت، مراقبت و اطمینان‌بخشی و حمایت را در کلام خود دارد و خود را نگران وضعیت خروس نشان می‌دهد. این‌گونه رفتارها از مشخصه‌های بعد شخصیتی والد حمایت‌گر است.

۲. والد انتقادگر: «والد انتقادگر^۱ آن بخش از شخصیت است که از رفتارها و افکار و احساسات ما و دیگران ایراد می‌گیرد. وقتی مرتکب اشتباهی می‌شویم والد انتقادگر تند می‌شود و در ما احساس گناه و شرم و افسردگی در ما ایجاد می‌کند (Firoz bakht, 2005). در این حکایت خروس در مقام والد انتقادگر است و این بعد از شخصیت خود را نشان می‌دهد؛ زیرا از وضعیت موجود (تهدید شدن توسط روباه) ناراضی بوده و سعی در تغییر وضعیت خود (فرار از دست روباه) دارد. از طرف دیگر روباه نیز در مقام والد انتقادگر عمل نموده و خواهان رسیدن به مقصودش بوده و بر رسیدن به آن مصر است (پافشاری). یا زمانی که خروس از روباه فرار می‌کند، روباه شروع به انتقاد از رفتار خروس می‌کند و می‌گوید: چرا از او می‌ترسد، مگر فرمان شیر را در مورد صلح حیوانات نشنیده است؟ از ویژگی‌های دیگر بعد والد انتقادگر، انتقاد از رفتار دیگران و سرزنش آن‌ها است.

۳. والد فعال: «والد فعال^۲ خود را به صورت صریح و آشکار نمایان می‌سازد و این مسئله را هنگامی که فردی در برخورد با دیگری به طور کامل مانند والدین خود عمل می‌کند، می‌توان مشاهده کرد» (Bahrami, 2016). در این داستان با توجه به این‌که روباه به تنهایی و با حقه وارد میدان شده است، دارای شخصیتی پویا و فعال است؛ زیرا در راه رسیدن به هدف خویش تلاش می‌کند. همچنین خروس نیز چون با جسارت پاسخ حقه روباه را داده است، از زاویه‌ای دیگر دارای شخصیت والد فعالی است. همچنین زمانی که روباه پا به فرار می‌گذارد، خروس می‌گوید مگر نگفتی به فرمان شیر بین حیوانات صلح برقرار است؛ در حقیقت از بعد شخصیتی والد فعال خود با ویژگی صریح رُک رفتار کردن، خود را نشان می‌دهد.

۴. والد تأثیرگذار: «والد تأثیرگذار^۳ به کمک شیوه‌های غیرمستقیم و با فرستادن پیام‌هایی به

1- criticizer parent

2- active parent

3- punchy parent

بالغ و کودک آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (Bahrami, 2016). روباه برای رسیدن به مقصودش با مخفی‌کاری و مکر خواسته‌هایش را پیش می‌برد؛ سعی دارد تا بر رفتارها، تصمیم‌ها و افکار خروس تأثیر بگذارد؛ به عبارتی از بُعد والد تأثیرگذار خود در تلاش است با دروغ‌گویی بر بُعد کودک خروس تأثیر بگذارد و او را فریب دهد و در مسیر هدف و نقشه خود او را قرار دهد. هرچند نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود؛ اما روند والد تأثیرگذار در وی مشهود است. از طرفی خروس این گرایش از والد بودن را داشته و با مکر و حيله، روباه را شکست می‌دهد و قوه والد تأثیرگذار در خروس پررنگ‌تر از روباه بوده است و در نهایت تأثیر خود را بر روباه می‌گذارد.

بالغ: یکی از ابعاد شخصیتی هر فرد بُعد بالغ^۱ است. «بالغ در واقع توانایی فکر کردن و تعیین تکلیف بر اساس اطلاعات دریافتی است. بالغ کامپیوتر انسان است. بالغ بر مبنای اطلاعاتی که در خود اندوخته عمل می‌کند و طبق برنامه‌های منطقی خویش، محاسبات را انجام می‌دهد. بالغ عاری از هیجانان است، یعنی این‌که می‌خواهیم منطقی باشیم (Firoz bakht, 2005). در بررسی شخصیت‌های داستان روباه و خروس در خصوص مؤلفه‌های بالغ باید گفت که در این داستان شاهد رفتاری بالغ‌گونه از خروس هستیم؛ زیرا رفتار بالغ خروس، رفتار کودک در روباه را زنده کرده و با فریب باعث شکست روباه می‌شود. همچنین در شخصیت روباه نیز شاهد نوعی بالغ‌بوده‌ایم، چراکه روباه نیز با منطقی و مصلحت در بُعد بالغ خود روبه‌رو بوده و حساب‌شده و مصلحت‌گرایانه پا به فرار گذاشته و خود را نجات می‌دهد. یا زمانی که خروس برای نجات خود بر بالای درخت می‌پرد در واقع از بُعد بالغ خود با ویژگی استفاده از عقل و منطقی رفتار می‌کند. یا وقتی روباه از فرار خروس انتقاد می‌کند، خروس به شخصیت بالغ خود رفته و بر اساس عقل و منطقی خود می‌گوید؛ باید هم فرار می‌کردم چراکه ما دشمن هم هستیم.

کودک: کودک^۲ بیشتر با انواع احساساتی که بروز می‌دهد شناخته می‌شود. «احساسات و بروز آن‌ها معمولاً به کودک مربوط است. وقتی احساس لذت، غم، خشم، ترس، یا محبت و شفقت می‌کنیم، از بُعد کودک خود رفتار می‌کنیم» (Shaiibi, 2013). در خصوص مؤلفه کودک

1- adult

2- child

باید گفت که در این داستان روباه با بُعد شخصیتی کودک خود دست‌خوش احساسات و ترس شده و در مقابل حقه خروس از تصمیم و ادامه رفتار خود باز می‌ماند. همچنین روباه دچار الگوی قربانی شده و بلافاصله فریب خورده و دست از هدف خود بر می‌دارد. چنان‌که از داستان نیز بر می‌آید شاهد رفتار در بُعد کودک روباه بوده و روباه با رفتاری عجولانه در پی یافتن جایگاه و موقعیت جدید خود بوده؛ بنابراین بُعد کودک درون وی بر بُعد والد خروس وی استیلا یافته و والد در روباه خاموش و بُعد کودک مسبب فرار روباه به واسطه حقه خروس شد. همچنین فرار خروس و رفتن به بالای درخت و ترس از روباه بیان‌کننده بُعد شخصیتی کودک در خروس است. به عبارتی دیگر؛ خروس با تجزیه و تحلیل و در نظر گرفتن تمام احتمالات و از طریق کلماتی چون از چه طریق، به نظرم، و این‌که باید جوانب را بررسی کنم (بعد بالغ) از فریب خوردن خود پیشگیری می‌کند و روباه بدون هیچ تدبیری و بدون این‌که تمام جوانب را در نظر بگیرد دست از هدف خود می‌کشد و فرار می‌کند (بعد کودک).

زنجیره روابط بین شخصیت‌های حکایت

روابط متقابل بین افراد دارای زنجیره‌ای از پیام‌ها و پاسخ‌های بین اشخاص است، زنجیره‌ای که با ارسال یک پیام صادر شده و دریافت و پاسخ این پیام از جانب شخص مقابل بر اساس یکی از ابعاد سه‌گانه شخصیت برقرار می‌شود. در این زنجیره، اشخاص از ابعاد گوناگون شخصیت خود متناسب با حالات روحی و روانی خود پیامی را برای سایر ابعاد شخصیتی افراد دیگر می‌فرستند، شخص مقابل در مواجهه با این پیام صادرشده از دیگران به ابعاد مختلف شخصیتی خود رفته و متناسب با حالت روحی و روانی خود پاسخ پیام صادرشده را می‌دهد و این‌گونه با هم یک ارتباط متقابل را تشکیل می‌دهند.

در حکایت روباه و خروس، والد حمایت‌گر روباه سعی در پیروزی در برابر خروس را دارد و از این بُعد شخصیتی پیام‌هایی را صادر می‌کند. اما والد حمایت‌گر و انتقادگر خروس قوی‌تر عمل کرده و نهایتاً تأثیر فراوانی بر کودک درون روباه گذاشته و باعث شکست و فرار روباه می‌شود. در این داستان شاهد تأثیر پیام والد حمایت‌گر و انتقادگر خروس بر بُعد کودک وی هستیم؛ زیرا همین تأثیر والد بر کودک مانع از شکست خروس شد، از طرفی همین تأثیر والد خروس بر کودک روباه سبب‌ساز شکست روباه شد. البته روباه در ابتدا در تلاش برای

تأثیرگذاری بر بُعد کودک خروس در جهت فریب دادن او است که موفق نمی‌شود، به عبارتی روباه از بُعد شخصیتی کودک خود پیامی با مفهوم صلح بین سایر حیوانات برای بُعد کودک خروس می‌فرستد، خروس در مواجهه با این پیام از بُعد شخصیتی بالغ خود از فریب خوردن جلوگیری می‌کند و در نهایت از این بُعد شخصیتی پاسخ پیام صادرشده از روباه را می‌دهد. یا زمانی که روباه متوجه نزدیک شدن سگ‌ها می‌شود و فرار می‌کند، خروس از بُعد والد انتقادگر از فرار او انتقاد می‌کند، روباه در پاسخ پیام صادرشده از بُعد والد انتقادگر خروس به بُعد بالغ خود رفته و می‌گوید: شاید سگ‌ها بیانیه عدالت شیر را نشنیده‌اند، در واقع روباه از بُعد کودک خود پاسخ خروس را می‌دهد.

حالات روانی شخصیت‌های حکایت

در جریان رفتارهای متقابل میان ابعاد مختلف شخصیت، حالات روحی و روانی چون ترس، اضطراب، تعارض و ... ایجاد می‌شود که موجب بروز واکنش‌ها و رفتارهایی از جانب شخصیت‌های دیگر می‌شود و به این طریق نوعی روابط در هم تنیده و به هم پیوسته شکل می‌گیرد. در این قسمت به بررسی حالات روحی و روانی شخصیت‌های این حکایت می‌پردازیم: اضطراب^۱: حالتی از انگیزتگی هیجانی منفی که به واسطه احساس هراس و فقدان کنترل نگرانی مرتبط با رویداد تهدیدزا همراهی می‌شود (Amiri & Michaeli, 2016). در بررسی شخصیت‌های داستان روباه و خروس مرزبان‌نامه با دو نوع از اضطراب مواجه هستیم؛ ابتدا وقتی خروس روباه را می‌بیند که به سوی او در حال دویدن است، در این حالت خروس دچار اضطراب می‌شود، اضطرابی عینی و از محیط بیرونی است. اضطراب دیگر از تعارض بین والد و بالغ ایجاد می‌شود، یعنی تعارض بین شخصیتی، از این رو روباه (از بُعد شخصیتی والد) و خروس (از بُعد شخصیت بالغ) در اثر اختلاف نظری که درباره فرمان شیر (صلح بین حیوانات) دارند، باعث اضطراب خروس می‌شود و خروس احساس خطر می‌کند و به سمت بُعد شخصیتی کودک سوق می‌یابد. سپس به سوی بُعد شخصیتی والد رفته و پس از اعلام آمدن دشمن به روباه (حضور سگان شکاری) دچار اضطراب و تشویش و نگرانی می‌شود. که البته به نظر نگارنده این

1- anxiety

نوع از اضطراب در داستان بسیار کم‌رنگ بوده و نوعی تشویش از نتیجه حقه قطعاً بروز می‌کند؛ اما هر دو از نتیجه شادان هستند و عذاب وجدان ندارند؛ زیرا خروس با زیرکی خطر روباه را از خود دور کرده و روباه با فرار کردن جان سالم به در برده و این سلامتی را بر خوردن خروس ترجیح داده است.

ترس: در زنجیره روابط شخصیت‌ها، ترس^۱ حضور پررنگی دارد. عامل ترس در تحول شخصیت نقش دارد و در رفتارهای آینده اشخاص تأثیرگذار است. «ترس واکنشی طبیعی است که ارزش حیاتی برای جانداران دارند. ترس، یک واکنش طبیعی در برابر خطر است و بقای فرد را تقویت می‌کند و در حد اعتدال‌آمیز آن، مناسب و حتی ممکن است مفید باشد» (Pourhosseini, 2010). در بررسی شخصیت‌های داستان روباه و خروس، ترس ابتدایی خروس هنگام مطلع شدن از موقعیت خود و دوری بیش از حد از آبادی و ترس خروس از نزدیک شدن روباه و دلهره حقه بازی روباه و همچنین ترس روباه هنگامی که خروس از حضور غیرواقعی سگان شکاری اطلاع می‌دهد در داستان مرزبان‌نامه کاملاً مشهود است و همین ترس سبب تغییر رفتار هر یک از شخصیت‌های داستانی است به طوری که در ترس اولیه، خروس زمانی که متوجه دوری خود از آبادی می‌شود سعی در بازگشتن به سوی آبادی را دارد. در دومین وانمود ترس، خروس سعی در به کار انداختن فکر و ذکاوت در مقابله با حقه‌های روباه را دارد و در وانمود سوم ترس؛ روباه سعی در فرار و تغییر رفتار و نجات خود دارد.

تعارض: تعارض^۲ را می‌توان به عنوان فرآیندی در نظر گرفت که طی آن یکی از طرفین پی می‌برد که طرف مقابلش مسائل مورد علاقه او را سرکوب می‌کند (Mosavi, Samavatian, & Nori, 2018). در روابط بین شخصیت‌های داستان روباه و خروس تعارض‌هایی وجود دارد که نوع رفتار شخصیت‌ها با همدیگر و تصمیماتی که آنان در مواجهه شدن با تنش‌های ایجادشده می‌گیرند، در جریان داستان تأثیرگذار است. نمونه‌های تعارض در حکایت؛ در این حکایت میان والد که روباه و بالغ که خروس است، تعارض اولیه است؛ زیرا در آغاز حکایت روباه از بُعد والد تأثیرگذار خود در تلاش بر تأثیرگذاری بر بُعد کودک خروس برای فریب او

1- fear

2- conflict

است. خروس در مقابل از بُعد بالغ خود با طرح نقشه مانع هدف و نیت روباه می‌شود و در این ارتباط متقابل باهم تعارض پیدا می‌کنند (تعارض بین والد و بالغ). همچنین هنگامی که روباه با شنیدن صدای سگ‌ها دچار ترس می‌شود، به بُعد کودک خود رفته و فرار می‌کند. خروس از بُعد والد انتقادگر خود از فرار او انتقاد می‌کند و می‌گوید: مگر بین حیوانات صلح نبود (تعارض بین کودک و والد).

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه و تطبیق نظریات و داستان‌های موجود در ادبیات ایران نشان داده است که رفتارها و تعاملات بین شخصیت‌های حکایات در غالب داستان‌های ادبی، با مباحث روان‌شناسی از جمله اصول روابط انسانی، روان‌شناسی شخصیت و روابط شخصیت‌ها مطابقت دارد، بر همین اساس از نتایج این تحقیق می‌توان به اهمیت نظریه شخصیت Berne و امکان بررسی و تطبیق آن با آثار ادبی اشاره کرد. این‌گونه داستان‌ها به رغم سادگی ظاهری‌شان از الگوهای شخصیتی کاملی برخوردارند و دارای روایتی درهم تنیده از روابط درونی بین شخصیت‌ها هستند که در قرائت سطحی و صرفاً داستان‌وار آن قابل شناسایی نیست. بررسی روابط متقابل شخصیت‌ها در حکایت روباه و خروس نشان می‌دهد که این حکایت و سایر حکایت‌های مرزبان‌نامه و آثار این چینی مجال فراوانی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، به خصوص نظریه‌های روان‌شناسی و روان‌کاوی را دارند. این‌گونه حکایت‌ها متشکل از روابط رفتاری و متقابل بین شخصیتی هستند. این روابط در شکل ظاهری حکایت‌ها قابل شناسایی و ملموس نیستند. پیامی که از جانب یکی از شخصیت‌ها ارسال می‌شود در واکنش دیگران تأثیر می‌گذارد. تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در این حکایت نشان می‌دهد که زنجیره‌هایی از ارتباطات در میان شخصیت‌ها وجود دارد، زنجیره ارتباطی که نوع رفتار متقابل آن‌ها را نشان می‌دهد و می‌توان به اهمیت کاربرد این نظریه در حل مشکلات احساسی و رفتاری اشخاص اشاره کرد. الگوها و ابعاد شخصیتی اشخاص در این‌گونه حکایات ما را یاری می‌کنند تا بدانیم اشخاص در موقعیت‌های گوناگون رفتاری چگونه از ابعاد مختلف شخصیتی خود بهره می‌گیرند و چگونه شخصیت خود را در قالب رفتارهایشان آشکار می‌سازند و با دیگران رفتار می‌کنند. همچنین به ما کمک می‌کند تا برای بهتر شدن رفتارهایمان و لذت بردن از زندگی بهتر، ابعاد شخصیتی

خود را بهتر بشناسیم. این نظریه به ما می‌آموزد تا نقاط ضعف رفتار خود و دیگران را شناخته و آن‌ها را تقویت و اصلاح کرده و برای روابط رفتاری سالم‌تری با همدیگر تلاش کنیم. با بررسی انجام‌شده مشخص می‌شود که در حکایت روباه و خروس از بین ابعاد سه‌گانه ساختار شخصیت، بُعد شخصیتی کودک نسبت به بقیه ابعاد حضور بیشتری دارد. پیامی که از جانب یکی از شخصیت‌ها ارسال می‌شود در واکنش دیگران تأثیر می‌گذارد؛ روابط متقابل بین شخصیت‌های حکایت از همان ابتدا به صورت مقاطع جریان پیدا می‌کند و رفتارها در جهت تأمین اهداف خودشان است، همین ارتباطات مقاطع منجر به اختلال در رفتارهای متقابل آنان می‌شود. همچنین تعارض میان والد که روباه است و بالغ که خروس است، در همان ابتدا مشهود است؛ زیرا در آغاز شاهد ترس خروس و در پایان شاهد ترس روباه هستیم. روباه برای تسکین ترس خود به خروس می‌گوید که می‌ترسد که سگ بیانیۀ عدالت را نشنیده باشد و این در واقع تعارض والد و کودک در وجود روباه است. البته بالغ در خروس مورد تعارض با کودک نیست.

در پایان پیشنهاد می‌شود اگر افراد با یکدیگر روابط سالم، صمیمانه و صادقانه داشته باشند و آن را جایگزین روابط مخرب، منفی و تحقیرآمیز نمایند، قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی لذت بیشتری ببرند.

سهم مشارکت نویسندگان: حسین حسینی پور، تدوین محتوا و تحلیل مطالب، اصطلاحات و ارسال مقاله؛ دکتر علی گراوند، طراحی چهارچوب کلی، تدوین و تحلیل مطالب و نویسنده‌ی مسئول؛ دکتر جهان‌شاه محمدزاده، همکاری در تطبیق و رویکردهای روانشناختی با محتوای فارسی و نتیجه‌گیری؛ همه نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مورد بررسی قرار داده و تأیید نموده‌اند.

سپاسگزاری: نویسندگان مراتب تشکر خود را از همه کسانی که با نقد و مشورت در تکمیل این پژوهش مؤثر بوده‌اند اعلام می‌دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان می‌کنند که در این مقاله هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد. این مقاله مستخرج از رساله دکتری، با راهنمایی دکتر گراوند و مشاورت دکتر محمدزاده است.

منابع مالی: این مقاله از حمایت مالی هیچ سازمانی استفاده نکرده است.

References

- Amiri, S., & Michaeli Monie, F. (2016). Assessment of state-trait anxiety and difficulty in emotion regulation: Based on personality dimensions of sensitivity to punishment and sensitivity to reward. *Journal of Psychological Achievements*, 23(1), 115-136. [Persian]

- Atkinson, R., Bam, D., Hoeksema, S. N., Atkinson, R., & Smith, E. (2017). *Hilgard's introduction to psychology* (Translated by R. Zamani, M. N. Tarahani, M. Shahrarai, M. Mohiuddin Banab, M. Beek, N. Gahan, & B. Birashk). 10th Edition). Tehran: Roshd Pressing. [Persian]
- Azad Milajardi, Kh., & Nik Nejadi, F. (2017). Investigating the effectiveness of adult self-adult group counseling based on mutual behavior analysis theory on changing irrational beliefs in adolescents. *Journal of Social Sciences*, 11(3), 55-76. [Persian]
- Bahrani, M. (2016). Concepts of Behavior Analysis. Tehran: New thinking press. [Persian]
- Ciucur, D. (2013). A transactional analysis group psychotherapy program for improving the qualities and abilities of future psychologists. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 78, 576-580.
- Firouz Bakht, M. (2005). Eric Burn. (1965), Founder of Mutual Behavior Analysis (Editor, Ali hossein sazmand. First Edition) Tehran, Danjeh press. [Persian]
- Incels, A. (1980). *What is sociology?* Translated by M. Hamadani. Tehran: Amir Kabir press. [Persian]
- Mosavi, S. M., Samavatian, H., & Nori, A. (2018). The effect of concurrent quality of work life quality and marital life enrichment on marital conflicts and marital instability among working couples due to the overflow role. *Journal of Psychological Achievements*, 25(2), 1-20. [Persian]
- Pourhossein, R. (2010). *Why are children afraid? What are the children afraid of? First Edition*. Tehran: Lak Lak. [Persian]
- Razi, A., & Hajati, S. (2012). Analysis of the interaction of characters in the milk and cow story from Kalileh and Demna. *Persian Literature Textology, Vice-Chancellor for Research and Technology*, 1, 56-39. [Persian]
- Shaiibi, F. (2013). *Living happy with the inner child. First Edition*. Tehran: Green Book press. [Persian]
- Stewart, J., & Jones, V. (2010). Interaction analysis, new methods in psychology. Translated by Bahman dadgostar. 13th Edition. Tehran: Dayereh press. [Persian]
- Todorof, T. (2003). *Structuralist poems*. Translated by Mohammad. Nabbavi. 2th Edition. Tehran: Agah Press [Persian]
- Varavjini, S. (2013). *Marzban nameh, correction of Khalil Khatib Rahbar. 18th Edition*. Tehran: safi alishah Press. [Persian]

